



بر اساس تفسیر موضوعی  
آل عمران آیه ۱۵۶

# انگیزه های آزمایشهای الهی

«و لیبتلی الله مافی صدورکم ولیمحص مافی قلوبکم والله علیم بذات الصدور ، آل عمران ۱۵۶»

تا خداوند آنچه را که در سینه های شما است ، بیازماید ، و آنچه را که در دل های شماست ، مصفا سازد ، خدا از مکنونات سینه ها آگاه است .

آزمایش های الهی ، یک سنت همگانی است که به فرد و یا گروه خاصی اختصاص ندارد ، بلکه تمام افراد ، به تناسب امکانات و استعداد های خود ، در بونه امتحان قرار می گیرند ، و با توجه به انگیزه های آزمایش های الهی که در این بحث خواهد آمد باید گفت : امتحان الهی ، یک قانون طبیعی است که نمی تواند ، به فرد و یا گروهی اختصاص داشته باشد زیرا در تشریح انگیزه ها ، خواهیم دید که امتحان مایه تکامل افراد ، و بروز لیاقت ها و شایستگی ها و در نتیجه رحمت الهی است که شامل افراد بشر می گردد در این صورت نمی تواند ، مخصوص گروه یا فردی باشد .

قرآن به سنت و همگانی بودن آزمایش های الهی در آیه یاد شده در زیر ، تصریح می کند و میفرماید :

«ام حسبتم ان تدخلوا الجنة ولما یاتکم مثل الذین خلوا من قبلکم مستهم الباساء والضراء و زلزلوا حتی یقول الرسول والذین آمنوا معه متی نصر الله الا ان نصر الله قریب» (سوره بقره آیه ۲۱۴) :

«آیا گمان کردید که واژدهشت می‌شوید بدون این که حوادثی چون رویدادهای گذشتگان بشمارسد ، به آنان دشواری ، ناراحتی رسید ، و پیامبر و افراد با ایمان گفتند یاری خدا کجاست ؟ (به آنان گفته شد) یاری خداوند نزدیک است.»

البته این جمله: «یاری خدا کجاست» نه بمعنی اعتراض است بلکه یک نوع دعا و درخواست کمک از خدا می‌باشد.

پرسی که درباره انگیزه‌های الهی مطرح می‌گردد اینست که هدف از امتحان، کشف حقیقت و برده برداری از امور پنهانی است، و خدای آگاه از برون و درون ، نیازی به امتحان ندارد، تا بندگان خود را در بونه امتحان قرار دهد ولی پاسخ این سؤال از تشریح انگیزه‌های امتحان روشن می‌گردد و آن اینکه امتحان ، انگیزه‌های گوناگونی دارد که یکی از آنها آگاهی از امور پوشیده است در حالی که در کنار این انگیزه ، انگیزه‌های دیگری است که می‌تواند انگیزه الهی در امتحان بندگان باشد این انگیزه‌ها عبارتند از :

#### ۱- تربیت و پرورش استعداد های نهفته

بشر بر اثر کوتاهی و نارسائی دانش خود ، در رنج هر نوع ابهام ناچار است از در آزمایش وارد شود و در صورتی که همین حالت برای خدا محال است ولی امتحان او برای انگیزه دیگر است که از آن به فعلیت رسیدن قوه‌ها ، تربیت و پرورش استعدادها می‌توان نام برد ، وجود انسان بسان منابع زهر زمینی است که با انواع امکانات و شایستگی‌هایی پوشیده است ولی بسان همان منابع ، بدون وسائل مخصوص ، ظهور و بروز ننموده و از مرحله استعداد به مرحله فعلیت نمی‌رسد، وسیله‌ای که می‌تواند این شایستگی‌ها را ظاهر سازد، همان امتحان و آزمایش است .

همگی می‌دانیم لذات در کوره آتش ، آبدیده‌تر و تواناتر می‌شوند و بر عمر فلز افزوده شده و بآن توان خاصی بخشیده می‌شود .

یکی از وسائل امتحان خدا همان سختیها و دشواریها و کمبود میوه‌ها و ارزاق است و انسان در آغاز کار با خود لگرمی کند هدف از این کمبودها و دشواریها و به تعبیر ارسن «البساع والضراء» چیست ؟ ولی پس از توجه به مثال یاد شده «آهن در دل کوره» متوجه می‌گردد که این نوع مسائل ، شخصیت‌ساز و استقامت آفرین است ، بسان درختی که در دل بیابانهای سوزان و بادهای داغ قرار گیرد ، بطور مسلم چنین درختی در مقابل ناملاهیات مقاومت خاصی پیدا می‌کند در حالی که درخت لب جو بیار از مقاومت اندکی برخوردار است و در برابر تشنگی و خشکسالی و بادهای ویرانگر ، مقاومت و توانائی زیادی ندارد .

از این جا می‌توان پی برد که چرا خداوند بندگان صالح خود را با بلاهای گوناگون می‌آزماید تا آنجا که گفته اند : **البلاء للولاء** : دشواریها و سختیها از آن دوستان است .

اگر یک چنین آزمایشها نبود این صفات در درون انسان پدید نمی آمد. انسان مورد امتحان و فشار دیده، آن چنان راه زندگی را می آموزد که مشکلات برای آن بصورت امر هادی درمی آید، و برای ادامه زندگی، فکرو اندیشه خود را بکار می اندازد و برای رهایی خود، چاره ای می اندیشد و کمالی را که قبلا بصورت زمینه در دل او وجود داشت به فعلیت کامل می رسد.

البته انکار نمی کنیم که امتحان برای همه افراد مفید و سودمند نیست و همگان پیروز نمیدانند از آن بیرون نمی آیند بلکه می گوئیم امتحان در زمینه های مساعد، مایه بالارفتن کمالات و معرفت روحیات نهفته انسان می گردد.

قرآن به این انگیزه در آیه یاد شده در زیر تصریح می کند و میفرماید: «و لیتبلی الله مافی صدورکم و لیتحصی مافی قلوبکم و ان الله علیم بذات الصدور» (سوره آل عمران ۱۵۴) خداوند آنچه را که در سینه های شماست بیازماید، و آنچه در روحیات شما قرار دارد متصفا سازد، خداوند از آنچه که در سینه ها است آگاه است.

جمله ای «و ان الله علیم بذات الصدور» می رساند که هدف خدا از امتحان، تشخیص واقعیات نیست بلکه هدف تربیت و آشکار ساختن زمینه هائی است که در کانون وجود انسانها قرار دارد، و به این حقیقت در لغت عرب «تصحیص» می گویند.

امیر مؤمنان در سخنان کوتاه خود یاد آور می شود که هرگز نباید از خدا درخواست کرد که ما را در بوته امتحان قرار ندهد زیرا جهان آفرینش، جهان آزمون است بلکه باید از خدا خواست ما را چهار امتحان هائی نسازد که از عهده آن بر نیائیم. آنگاه امام انگیزه آزمایش الهی را به این شکل بیان می کند و آن اینکه: هدف آشکار ساختن صفات خوب و بدی است که به انسان شخصیت می بخشد مثلا در برخی از مردم حساسیت های خاصی نسبت به بعضی از حوادث است، مثلا در افرادی زمینه ناراحتی نسبت به برخی از مسائل مانند داشتن دختر و کمبود مال موجود است در حالی که در برخی دیگر تنها چنین زمینه ای وجود ندارد بلکه بکنوع زمینه رضایت و سازش بتقدیرهای الهی است، هرگاه این دو گروه در بوته امتحان قرار نگیرند این نوع زمینه ها بشمر نمی رسد و توانا به فعلیت تبدیل نمی شود، و در نتیجه گروهی از همین مسیر تربیت کامل انسانی پیدامی کنند. (۱)

تو گوئی امتحان الهی کار باغبانی را انجام می دهد آنگاه که باغبان دانه مستعدی را در سرزمینی می کارد، این دانه با استفاده از مواهب طبیعی شروع برشد می کند و با ابوهی از مشکلات روبرو می گردد و با طوفانهای سخت و سرمای کشنده و گرمای سوزان آنقدر بیکار می کند تا سرانجام شاخه گلی را با میوه شیرینی را بصورت زمینه در دل آن دانه

وجود داشت ، ظاهره می سازد و اگر این دانه در کوران این حوادث تراز نمی گرفت ، هرگز چنین کمالی را از خود نشان نمی داد و قوه و توان آن به عملیت نمی رسید .

### ۲- مقیاس پاداشی ها و کیفرها

شکی نیست تنها داشتن صفات درونی مقیاس پاداش و کیفر نیست بلکه تا صفات خوب و بد انسان ظاهر نشود هرگز نمی توان کسی را بصفت درونی کیفر یا پاداش داد و این صفات از طریق اعمال و برداشتهای انسان آشکار می گردد و ظهور آن بدون اینکه انسان در پوته امتحان قرار بگیرد امکان پذیر نیست و این خود یکی از انگیزه های امتحان خداست که در سلطان امیر مؤمنان وارد شده است ، آنجا که می فرماید : « و ان كان سبحانه اعلم بهم من انفسهم ، و لكن لتظهر الافعال التي بها يستحق الثواب والعقاب » (۱)

خداوند انسان را بهتر از خود او می شناسد ولی برای اینکه اعمالی که ملاک پاداش و کیفر است آشکار کند و آنان را در پوته امتحان تراز می دهد .

### ۳- جداسازی افراد نیک از افراد بد

سومین انگیزه برای آزمایشهای الهی جداسازی خوب از بد ، و بد از خوب است زیرا در جامعه ای که همه گروهها خود را انقلابی قلمداد کرده و بظاهر از آن دفاع می کنند در حالی که گروهی از آنان منافق و باصطلاح ضد انقلابند ، بهترین وسیله برای شناساندن افراد صالح و فاسد و مؤمن و منافق ، آزمایشهای الهی است ، و در غیر این صورت همه گروهها بانقلاب انقلابی در یک صف قرار گرفته و از یکدیگر تمیز داده نمی شوند .

« ما كان الله ليبدل المؤمن عسى ما انعم عليه حتى يميز الخبيث من العليل » آل عمران ۱۷۹

هرگز خداوند مؤمنان را بر آنچه که هستند و انمی گذارد تا ناپاک از ناپاک جدا سازد . و در آیه دیگر می فرماید :

ليميز الله الخبيث من العليل و يجعل الخبيث بعضه على بعض فيركمه جميعاً فيجعله في جهنم اولئك هم الخاسرون (انفال - ۳۷) تا ناپاک را از ناپاک جدا سازد و ناپاکان را روی هم قرار دهد ، و همه را گرد آورده در دوزخ قرار دهد آنان زبان کارانند

